



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



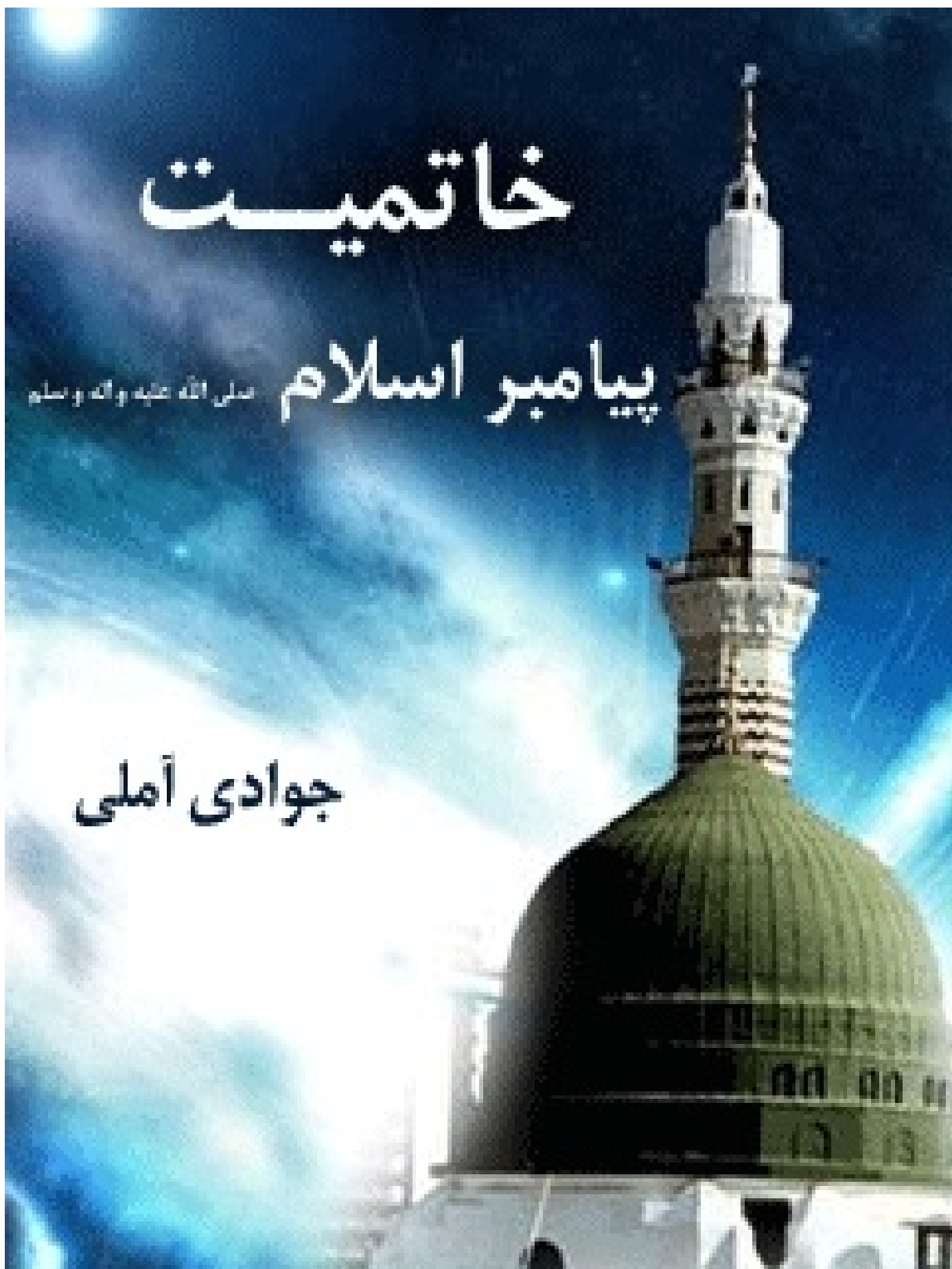
عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# خاتمیت

پیامبر اسلام ﷺ  
صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم

جوادی املی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# خاتمیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم

نویسنده:

آیت الله جوادی آملی (دام ظلّه)

ناشر چاپی:

محمدرضا مصطفوی پور

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	خاتمیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۷	پرسش‌هایی درباره خاتمیت
۷	پاسخ سؤال‌ها
۷	اشاره
۷	برهان در قرآن
۹	ولایت پشتوانه نبوت و امامت
۱۰	پویایی و تکامل
۱۱	پاورقی
۱۲	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## خاتمیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم

### مشخصات کتاب

نویسنده: جوادی آملی

ناشر: محمدرضا مصطفوی پور

### مقدمه

اسلام کاملترین و آخرین دین الهی و پیامبر آن آخرین رسول الهی است و بعد از پیامبر اسلام پیامبر دیگری نخواهد آمد. همه مسلمانان بر این عقیده اجماع و اتفاق نظر دارند و تا به حال هیچ مسلمانی منکر این عقیده نبوده است. علاوه بر اتفاق نظر مسلمانان، قرآن و احادیث قطعی اصل خاتمیت پیامبر اسلام را اثبات می‌کند. قرآن می‌فرماید: ما کان محمد اباحد من رجالکم ولكن رسول الله و خاتم النبیین و کان الله بکل شیء علیماً [۱] محمد (ص) پدر هیچ یک از مردان شما نیست ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است و خدا همواره بر همه چیزی داناست. خاتم (به فتح تا، یا به کسر تا) دلالت بر این می‌کند که با نبوت مهر خورده و این مهر شکسته نخواهد شد و پیامبر دیگری با شریعتی جدید نخواهد آمد. چنان که موارد استعمال واژه‌های هم خانواده خاتم همچون «تختم، مختوم، ختام» نیز به همین معناست یعنی مهر کردن و به آخر رسیدن یا پایان یافتن است و به عبارت دیگر: خاتم به معنای چیزی است که به وسیله آن پایان داده می‌شود و چون خاتم به معنای پایان دادن است پیامبر اسلام، پایان بخش نبوت است و خاتم الانبیاء بودن پیامبر به معنای خاتم المرسلین بودن هست زیرا مرحله رسالت مرحله‌ای فراتر از نبوت است که با ختم نبوت رسالت نیز خاتمه می‌یابد. روایات فراوانی نیز از پیامبر و ائمه وارد شده که بر همین معنا پافشاری می‌کنند و این که برخی خاتم را به معنای انگشتر و چیزی که مایه زینت به حساب آورده‌اند به خاطر همین است که نقش مهره را بر روی انگشتر هایشان می‌کنند و بوسیله آن نامه‌ها را مهر می‌کردند که این مهر کردن حکایت از پایان نامه داشت. از این رو با دقت در روایات ذیل می‌توان پرده از ابهام این واژه برداشت. ۱- انس می‌گوید: از رسول خدا (ص) شنیدم، می‌فرمود: انا خاتم الانبیاء و انت یا علی خاتم الاولیاء. و قال امیر المؤمنین (ع): ختم محمد (ص) الف نبی و انی ختمت الف وصی...» [۲] من پایان دهنده پیامبران و تو یا علی پایان بخش اولیاء هستی و امیرالمؤمنین (ع) فرمود: محمد پایان بخش هزار پیامبر و من هزار وصی را پایان بخشیدم. ۲- پیامبر (ص) فرمود: «انا اول الانبیاء خلقاً و آخرهم بعثاً»؛ [۳] من از نظر آفرینش اولین و از حیث بعثت آخرین پیامبرم. ۳- پیامبر (ص) فرمود: «مثل من در بین پیامبران، مانند مردی است که خانه‌ای را بنا کرده و آراسته است، مردم بر گرد آن بگردند و بگویند: بنایی زیباتر از این نیست جز این که یک خشت آن خالی است «فانا موضع اللبنة، ختم بی الانبیاء»، [۴] و من پرکننده جای آن خشت خالی هستم از این رو نبوت پیامبران به من ختم پذیرفت. ۴- امام باقر (علیه السلام) فرمود: «ارسل الله تبارک و تعالی محمداً الی الجنّ و الانس عامه و کان خاتم الانبیاء و کان من بعده اثنی عشر الاوصیاء». [۵] [۵] - حقتعالی در خطاب به حضرت زکریا فرمود: «یا زکریا قد فعلت ذلک بمحمّد ولا- نبوة بعده و هو خاتم الانبیاء» پیامبر اسلام حضرت محمّد (ص) ختم پیامبران و پیامبری بعد از او نیست. ۶- حضرت موسی بن عمران (ع) نیز همچون سایر پیامبران این حقیقت را بر زبان آورده است که پیامبر اسلام حضرت محمّد (ص) خاتم پیامبران است «قال رسول الله: و فیما عهد الینا موسی بن عمران (علیه السلام) انه اذا کان آخر الزمان یخرج نبی یقال له «احمد» (ص) خاتم الانبیاء لا نبی بعده، یخرج من صلبه ائمة ابرار عدد الأسباط» [۶] بعد از او پیغمبری نیست و از صلب او دوازده پیشوا به تعداد اسباط بنی اسرائیل خارج می‌شوند. ۷- پیامبر (ص) همچنان فرمود جبرئیل هنگام ظهر بر من نازل شد و گفت: یا محمّد (ص) خداوند تو را سید پیامبران و علی را سید اوصیاء قرار داد... «محمّد سید النبیین و خاتم المرسلین و جعل فیہ النبوة...» [۷] محمّد سید پیامبران و خاتم

رسول است و در او نبوت را قرار داد. ۸- امیرالمؤمنین به کرات در جای جای نهج البلاغه به خاتمیت حضرت محمد (ص) تصریح کرده و به طور شفاف خاطر نشان ساخته است که محمد (ص) پایان بخش پیامبران است، مانند: الف) (رسول الله) فقی به الرسل و ختم به الوحی. [۸]. ب) (رسول الله) «الخاتم لما سبق و الفاتح لما انغلق». [۹]. ج) «امین وحیه و خاتم رسله». [۱۰]. ۹- حضرت مسیح (علیه السلام) - بنا به نقل انجیل یوحنا - فرمود: «آئی سائل ربی ان یبعث الیکم «فارقلیط» آخر یكون معکم الی الابد و هو یعلمکم کل شیء» [۱۱] من از پروردگارم خواستم برای شما «فارقلیط» دیگری (یعنی حضرت محمد (ص)) را مبعوث فرماید که تا ابد با شما باشد و هر چیز را به شما بیاموزد. ۱۰- امام محمد باقر (علیه السلام) در تفسیر آیه «ما کان محمدٌ ابا احدٍ من رجالکم ولكن رسول الله و خاتم النبیین» می فرماید: خاتم النبیین یعنی پیامبری بعد از حضرت محمد (ص) نخواهد بود «یعنی لا نبی بعد محمد». [۱۲].

### پرسش هایی درباره خاتمیت

از دیرباز پیرامون مسأله خاتمیت پرسش هایی مطرح بوده که امروزه نیز احیاناً در قالب های نوینی شکل گرفته و پاره ای اشکال های جدید نیز بر آن افزوده شده است، در آینده نیز دگر باره در همین شکل و یا در قالب های مدرن تری به بازار عرضه خواهد شد. از این رهگذر ما در این نوشته به بعضی از آن ها اشاره کرده و به پاسخ گویی خواهیم پرداخت: الف) آیا با توجه به سیر تکاملی بشر، چگونه انسان می تواند از رهبری آسمانی محروم باشد؟ ب) آیا قوانین عصر نبوت می توانند در این روزگار جوابگو باشند؟ ج) آیا با قطع شدن وحی و نبوت، باید انسان از ارتباط با جهان غیب محروم بماند؟ د) حجیت و ولایت دینی از آن پیامبر (ص) است و بایسته شدن دفتر نبوت به مهر خاتمیت شخصیت هیچ کس پشتوانه سخن او نیست، بدین معنا که خطاب پیامبران نوعاً آمرانه، از موضع بالا و غالباً بدون استدلال است، به قرآن و دیگر کتب آسمانی به ندرت استدلال هایی، مانند: «لو کان فیهما الهة الا الله لفسدتا»؛ [۱۳] یافت می شود از این رو شیوه سخن پیامبران این است که «ما علی الرسول الا البلاغ» [۱۴] کاری جز تبلیغ و ابلاغ پیام الهی بر عهده پیامبر نیست حتی «قل هاتوا برهانکم» [۱۵] هم که می گویند معطل برهان آوردن مخالفان نمی شوند، پیشاپیش برهان شان را باطل می دانند «حجّتهم داحضة عند ربهم» [۱۶] این نکته ما را به عنصر مقوم شخصیت حقوقی پیامبر نزدیک می کند، این عنصر ولایت است. ولایت به معنای این است که شخصیت فرد سخنگو، حجّت سخن و فرمان او باشد، و این همان چیزی است که با خاتمیت مطلقاً ختم شده است. بنابر این وقتی در کلام، دلیل می آید، رابطه کلام با شخص و شخصیت گوینده قطع می شود، از آن پس ما می مانیم و دلیلی که برای سخن آمده است، اگر دلیل قانع کننده باشد مدعا را می پذیریم و اگر نباشد نمی پذیریم، دیگر مهم نیست که استدلال کننده علی (علیه السلام) باشد یا دیگری، از این پس دلیل پشتوانه سخن است نه گوینده صاحب کرامت آن.

### پاسخ سؤال ها

#### اشاره

با تبیین چند مطلب پاسخ سؤال های یاد شده روشن می گردد:

### برهان در قرآن

قرآن مجید افزون بر این که خود را به عنوان برهان و نور معرفی کرده استدلال های فراوانی در جای جای آن به کار گرفته است. و اگر قرآن از دیگران برهان می طلبد «قل هاتوا برهانکم» بدان خاطر است که هم خود برهان است و هم برهان اقامه می کند از این رو می گوید: «یا ایها الناس قد جائکم برهانٌ من ربکم وانزلنا الیکم نوراً مبیناً» [۱۷] ای مردم در حقیقت برای شما از جانب پروردگارتان

برهان آمده است، و ما به سوی شما نوری تابناک فرو فرستاده‌ایم. بنابه نوشته جناب علامه طباطبایی، شما اگر کتاب الهی را کاوش کامل کنید و در آیاتش دقت نمایید خواهید دید شاید بیش از سیصد آیه مردم را به تفکر، تذکر و تعقل دعوت نموده، و یا به پیامبر (ص) استدلالی را برای اثبات حقی و یا از بین بردن باطلی می‌آموزد، و یا استدلال‌هایی را از پیامبران و اولیاء خود چون نوح، ابراهیم، موسی، لقمان، مؤمن آل فرعون و... نقل می‌کند. خداوند در قرآن خود و حتی در یک آیه نیز بندگان خود را امر فرموده که نفهمیده به قرآن و یا به چیزی که از جانب او است ایمان آورند و یا راهی را کورکورانه به پیمایند، حتی قوانین و احکامی که برای بندگان خود وضع کرده و عقل بشری به تفصیل ملاک‌های آن‌ها نمی‌رسد و نیز بر چیزهایی که در مجرای نیازها قرار دارند استدلال کرده و علت آورده است. [۱۸] پیامبر و پیشوایان دین (علیهم السلام) نیز سخنانشان آکنده از استدلال است، نمونه بارز آن کتاب ارجمند احتجاجات طبرسی است. بر این اساس قرآن و سخن پیامبران استدلالی‌ترین سخن و شیواترین بیان در پیشبرد اهداف شکوهمند دین و شریعت‌اند، غایه‌الامر براهین قرآنی از نوع اصطلاح فلسفه و کلام نیست، قرآن به زبان وحی و به زبان فطرت سخن می‌گوید، گاهی همچون برهان صدیقین از واجب پی به صنع می‌برد و گاهی از منظم بودن و نافع بودن پی به حکمت خدای حکیم، زمانی از کثرت به وحدت و گاهی از وحدت به کثرت می‌گراید، به آیات اول سوره رعد بنگرید چگونه پس از یاد خدا، نعمت‌های فراوان و کثیر او را یاد آور شده است «اللّٰهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمٰوٰتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا»؛ [۱۹] خدا همان کسی است که آسمان‌ها را بدون ستون‌هایی که آن‌ها را به بینید برافراشت، آن گاه بر عرش استیلا یافت، و خورشید و ماه را رام گردانید، هر کدام برای مدتی معین به سیر خود ادامه می‌دهند. اوست کسی که زمین را گسترانید و در آن کوهها، و رودها نهاد، و از هر گونه میوه‌ای در آن جفت جفت قرار داد، روز را به شب می‌پوشاند، قطعاً در این امور برای مردمی که تفکر می‌کنند نشانه‌هایی وجود دارد، و در زمین قطعاتی است کنار هم، و باغهایی از انگور و کشتزارها و درختان خرما، چه از یک ریشه و چه از غیر یک ریشه که با یک آب سیراب می‌گردند، و با این همه برخی از آن‌ها را در میوه - از حیث مزه و نوع و کیفیت - بر برخی دیگر برتری می‌دهیم بی‌گمان در این امر نیز برای مردمی که تعقل می‌کنند دلایل روشنی است. امّا اگر قرآن در جایی می‌فرماید: «حَجَّتْهُمْ دَاحِضَةٌ» دلیلشان شکسته و باطل و مخدوش است، نخست دلیل آنان را ذکر کرده و سپس می‌فرماید باطل است، زیرا بت پرستان، بت پرستی خود را توجیه می‌کردند که اگر خدا می‌خواست نه ما و نه پدرانمان شرک نمی‌آوردیم و چیزی را خود سرانه تحریم نمی‌کردیم. [۲۰] قرآن نیز می‌فرماید این گونه استدلال و احتجاج‌ها باطل است «حَجَّتْهُمْ دَاحِضَةٌ» زیرا این گونه احتجاج خلط بین اراده تکوینی و تشریعی است، خداوند تکویناً قادر است جلوی آنان را بگیرد ولی تشریحاً آزادند و هر کاری می‌توانند انجام دهند. اصل نبوت را می‌توان هم از دلیل‌های برون دینی و هم از دلیل‌های درون دینی اثبات کرد، لیکن در انقطاع وحی ما دلیلی عقلی بر ضرورت انقطاع خاتمیت نداریم، یعنی عقل هیچ مانعی بر آمدن پیامبر دیگری نمی‌بیند، جز این که دلیل‌های درون دینی ما را متقاعد به پذیرفتن خاتمیت می‌کند، چنان که بحث آن گذشت، لیکن شهود، عرفان و قلب می‌تواند انقطاع نبوت را مشاهده کند. و این راه اختصاصی به پیامبر ندارد بلکه اعم از پیامبر و امام معصوم است، نمونه آن مشاهده وحی توسط علی (علیه السلام) و تصدیق پیامبر (ص) او راست که یا علی من آنچه می‌شنوم تو هم می‌شنوی «أَنْتَ تَسْمَعُ مَا أَسْمَعُ» بنابراین انقطاع نبوت را عقل بشری بدان دست نمی‌یازد، بلکه از دانشی است که اگر خداوند به پیامبر نیاموخته بود حتی خود وی هم بر آن آگاه نبود چنان که قرآن فرمود: «وَعَلَّمَكَ مَالِمَ تَكُنْ تَعْلَمُ» [۲۱] بنابراین اگر پیامبر (ص) ادعا نکرده بود هیچ کس را بر این راز امکان دستیابی نبود. گفتنی است انقطاع وحی بدان معنی نیست که آنچه دین آورد تا این زمان صحیح و درست و مستحکم بود و پس از قطع وحی نسخ، فسخ، باطل، سراب و یا به ضد تبدیل می‌شود، نه زوالی از پیش خود می‌گیرد و نه بواسطه شیء دیگر از بین می‌رود و به فرموده قرآن «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ» [۲۲] از پیش رو و از پشت سر باطل به سویش نمی‌آید. همه دست آوردهای آن تا آستانه قیامت پایدار خواهند بود، گر چه نبوت از جنبه خبرگزاری قطع شود، و گرچه شریعت و منهاجی جدید نمی‌آید، بنابر این اگر



شریعت نبوی رخت بر بندد باید اندیشه بشری جایگزین آن شود که سر از «أنا ربکم الاعلی» و مانند آن بیرون می آورد. باری خاتمیت را از چند راه می توان توجیه کرد: الف) از راه علل فاعلی، وقتی قرآن می فرماید: «وإنَّ الی ربک المنتهی» [۲۳] پایان کار به سوی پروردگار تو است، بدین معنا است که شخص پیامبر تحت تربیت و ربوبیت حقتعالی به آخرین درجات کمال بار یافته و به انتها درجه رسیدن او از آیه (فکان قاب قوسین او أدنی) نیز فهمیده می شود، و در قوس نزول هم نخستین صادر است، بنابر این «إنا لله و إنا الیه راجعون» بر قلب پیامبر نازل گشته و مصداق بارز آیه است، پس بالاتر از آن مقامی فرض ندارد و همتایی بر او فرض ندارد، در نتیجه دلیلی بر آمدن پیامبر بعد و سخن جدید نیست. ب) از راه علل قابلی، فرض این است که بهترین میوه جهان طبیعت به عنوان پیامبر خاتم عرضه گشته، و ابر و باد و مه و خورشید و فلک افتخار دارند که بهترین خلق اولین و آخرین را در دامن خود پروریده و جهان بشریت را از چنین نعمتی بهره مند ساخته اند. ج) از راه علل غایی هم نیاز بشر تأمین شده زیرا اراده حق کشف گردیده است این اراده از طریق وحی، قرآن، سنت، یعنی توسط خبر واحد، متواتر، اجماع، شهرت و عقل کشف شده و دیگر نیازی به شریعت جدید و اعزام رسل و انزال کتب نیست. بر این اساس مردم به حال خود رها نشده اند، ربوبیت حقتعالی همچنان ادامه دارد، ابزار و آلات استنباط و استخراج قوانین تازه فراهم آمده است. بدیهی است عقل از منابع دین است نه چیزی در برابر دین، پس دلیل را به دینی و عقلی تقسیم کردن یک اشتباه بزرگ است، عقل از ابزار و کواشف دین و اراده خدا است، عقل است که می تواند بفهمد نقل و وحی چه گفته اند، توسط عقل است که آیات ارزیابی می شوند، و روایات را درهم آمیخته و از آمیزه آنها استنباطات و استخراجات صورت می پذیرند، عقل به عنوان چراغ پر فروغ و قوی در خدمت دین است، از این رو شریعت اسلام پایدار و ماندگار است آن سان که دین پا بر جا است خاستگاه این پایداری و پویایی، تداوم ربوبیت حقتعالی است که هر لحظه بشر را تدبیر کرده و از بوستان و باغ او بری می رسد، و تازه تر از تازه تری می رسد.

### ولایت پشتوانه نبوت و امامت

نبوت دارای پشتوانه‌ای به نام ولایت است، ولایت یک مقام باطنی است که از طریق بندگی و پیمودن راه قرب نوافل و فرائض، به این مقام والا می توان دست یافت، چنین گوهر گرانبهایی پشتوانه نبوت است، و هر کس دیگر هم می تواند ولی باشد یعنی نبوت را نداشته به ولایت برسد خواه مرد باشد یا زن، همچون صدیقه کبری فاطمه زهراء (علیها السلام). با قطع گردیدن نبوت، مقام ولایت قطع نمی شود، بلکه در پیشوایان دین به خصوص، و در دیگر اولیاء نیز هست، پیشوایان چون دارای امامت و ولایت اند پس از قطع وحی و ترسیم خطوط دین توسط پیامبر، همچنان به پاسداری، تفسیر و شکوفایی آن آموزگاری می کنند، حقایق دین، اصول اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، فقهی، پزشکی، نظامی و... را شکوفا می سازند. پس این توهّم که با رحلت پیامبر، بشر از ولایت تشریحی آزاد شد، سخن سنجیده‌ای نیست، بلکه جانشینان پیامبران و به ویژه جانشینی پیامبر اسلام (ص) همان کار پیامبری را ادامه می دهند، پیامبر نیستند ولی از ناحیه ولایت کار پیامبرانه می کنند، آیه‌ای که می فرماید: «إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»؛ [۲۴] ولی شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند، همان کسانی که نماز برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند یعنی ولایتی که در الوهیت و نبوت مطرح است در وجود شخص امام معصوم نیز وجود دارد، این ولایت فوق ولایت معنوی، قرب نوافل و فرائض است، این همان ولایت تشریحی است که قطع نمی شود، از این رو پیامبر در غدیر خم بر همین معنا انگشت گذاشت و فرمود: «أَلَسْتُ أُولَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ» آیا من به شما از خود شما نزدیکتر نیستم، همه گفتند: چرا، آن گاه فرمود «من کنت مولاه فهذا علیّ مولاه» بنابر این قضا، حکم، داوری‌ها تفسیرها از آیات و آنچه یک جامعه زنده و پویا بدان نیازمند تحت سرپرستی و ولایت علی (علیه السلام) است، سخن او سخن پیامبر و خداست، اگر جایی نیاز به استدلال باشد، استدلال می آورد، اگر نداشته باشد نمی آورد، هرچه را حلال دانست حلال و هرچه را حرام شمرد حرام

است و اگر شرایط محیط با او همراه شد خلافت ظاهری را هم در دست می‌گیرد، چنان که فرمود: «لولا حضور الحاضر»؛ [۲۵] و از کیان دین و مملکت حفاظت کامل به عمل می‌آورد و مسئولیت اجرایی و اداره جامعه را بر عهده می‌گیرد، در این صورت هر حکم و فرمانی صادر کند بر مردم واجب است بپذیرند چونان فرمان خدا و رسول «ماکان لمؤمن ولا مؤمنه اذا قضی الله و رسوله امران یكون لهما الخیره من امرهم، و من یعص الله و رسوله فقد ضلّ ضلالاً مبیناً»؛ [۲۶] هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد که چون خدا و فرستاده‌اش به کاری فرمان دهند، برای آنان در کارشان اختیاری باشد، و هر کس خدا و فرستاده‌اش را نافرمانی کند قطعاً دچار گمراهی آشکاری گردیده است. بنابراین این کسی که می‌گوید «سلونی قبل ان تفقدونی» از من پرسش کنید پیش از این که مرا نیابید، من به راههای آسمان آشناتر تا راههای زمین هستم، با همان ولایت بضمیمه آیه «النّبی اولى بالمؤمنین من انفسهم»؛ [۲۷] پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر و نزدیکتر است، دارای همان ولایت تشریحی نبوی است و بعد از او سایر پیشوایان تا برسد به حضرت حجّه بن الحسن المهدی (علیه السلام) که دین را از هر جهت شکوفا می‌سازد و فرمانش واجب الطاعه می‌باشد. اما اگر شرایط فراهم نیاید، دست ولی دین بسته شود و حکم او مطاع نباشد به همان اندازه از وظیفه حفاظت و پاسداریش کاسته می‌شود، بر خلاف پیامبر که حتی اگر هیچ کس همراه او نباشد نیز موظف به ابلاغ و انذار است، «ما علی الرسول الاّ البلاغ» گرچه او را خلیل وار به آتش سپارند، او باید به جهاد در آویزد گرچه یکّه و تنها باشد. «فقاتل فی سبیل الله لا تکلف الاّ نفسك و حرّض المؤمنین عسی الله ان یکفّ بأس الّذین کفروا والله اشدّ بأساً و اشدّ تنکیلاً»؛ [۲۸] ای پیامبر در راه خدا پیکار کن که جز عهده دار شخص خود نیستی ولی مؤمنان را به مبارزه برانگیز، باشد که خدا آسیب کسانی که کفر ورزیده‌اند باز دارد و خداست که قدرتش بیشتر و کيفرش سخت‌تر است.

## پویایی و تکامل

رشته حیات جوامع بشری تا وقتی امتداد داشته باشد به وحی و دست آوردهای وحیانی نیازمند است، انسان سرنوشت خود را به جهان طبیعت، زمان، گذشته و آینده پیوند ناگسستنی زده و هر روز گامی به جلو و نگاهی به آینده دارد، و هر روز می‌کوشد به سخنی تازه، و رازی ناگشوده دست یازد، پس در عقاید، اخلاقیات، احکام و بهره‌گیری از طبیعت و دست آوردهای آن به دانش نامتناهی نیاز دارد، خداوند به وسیله پیامبر (ص) خطوط کلی را از خارج تأمین کرده و نیز در درون بشر یک نیروی فوق العاده و شگفت به نام خرد قرار داده است، عقل شریعتی است در نهان انسان و وحی شریعتی است در برون، وقتی عقل و نقل به عنوان دو بال از ابزار دین‌شناسی قرار گیرند می‌توانند زوایای احکام، اخلاق، عقاید، و سایر نیازمندی‌های بشر را در هر منطقه و هر زمان تأمین کنند، گرچه تا قیامت (به فرض) حجّتی ظهور نکنند و از پس پرده غیبت بیرون نیاید، عقل مصون از مغالطه (به برکت وحی) هر روز شکوفاتر می‌شود و اسباب «لیثیروا لهم دفائن العقول» [۲۹] پیداتر و به مبادی تصویری و تصدیقی تازه‌تری دست می‌یابد، در نتیجه فقه، اصول، کلام، عرفان و فلسفه بارزتر و کاملتر می‌گردند، در تاریخ و سنت جهان بینی و ریاضی سخنان تازه و تازه‌ای پیدا می‌شود. روش‌ها هم روشمندتر، متدها شکوفاتر، شکل‌ها زیباتر و متقن‌تر می‌گردند، چه بسا اصل یا اصولی بر فقه و قاعده یا قواعدی بر آن بیفزایند و پیام‌های تازه‌تری استخراج کنند، با تأمل در آیات قرآن و روایات (به عنوان دو منبع غیر متناهی) ممکن است مطالب جدیدی استنباط شود، فقه و اصول، فلسفه و کلام و تفسیر هزار سال پیش برای امروز ابتدایی شمرده شده، و قطعاً در هزار سال آینده بسی شکوفاتر می‌گردند. اندیشه‌های جدید به عرصه علم و فرهنگ راه می‌یابند و روش زنده‌تری اختراع می‌گردد، این‌ها همه باید در چشم انداز عقل و نقل معتبر قرار داشته باشند نه در چنبره «قیاس و استحسان» که برخاسته از اندیشه «حسبنا کتاب الله» است. از سوی دیگر براهین نقلی که از قرآن و سنت به دست می‌آیند، همچنین تقریر و فعل معصومان موجب تکامل دین هستند، عقل نیز در کنار این‌ها قرار دارد نه در برابرشان، بسیاری از مسایل اصول فقه از عقل تنها و یا عقل و نقل برگرفته می‌شوند، هرچه

واجب و یا حرام باشد مقدمه آن نیز به حکم عقل واجب و یا حرام است، عقل در حوزه مدیریت و اجرائیات نیز نقش کلیدی دارد، در وضع مقررات و اداره کشور که مثلاً اقتصادش بر پایه‌های کشاورزی باشد یا دام پروری، یا صنعت و معدن و یا نفت؟ و اگر بر اساس کشاورزی تنظیم شود بررسی خاک، آب، سد، کوه و قوانین لازم، کانال کشی همه توسط حکم عقل صورت می‌پذیرد که یا واجب است و یا مقدمه واجب و...متد و روش عقل و قواعد عقلی، هم ما را به محتوا فرا می‌خواند هم به شکل، هم به فقه آشنا می‌گرداند هم به قواعد و اصول آن. بنابر این در جمیع علوم و روش‌ها عقل در کنار نقل و به عنوان چراغ فروزانی است که دانش‌های گوناگون اعم از دینی و غیر دینی را در خدمت دین می‌داند، عقل جنبه پویندگی و بالندگی دارد که اگر نبوت ختم شد کنار ولایت، روایت وحی و قرآن باشد. فقه، اصول و فلسفه و عرفان را جلو ببرد، روش جدید القاء کند، به ارزیابی مجدد اندیشه گذشتگان بپردازد و از آن‌ها ره توشه تازه بگیرد، از اندوخته‌های پیشینیان تجربه بیاموزد و تئوری جدید ارائه کند، به اختراع و کشف جدید بپردازد، بر متون فقه، اصول، حکمت، کلام و عرفان و ریاضیات بیفزاید، زواید آنها را پالایش دهد و غذای جدید جهت فربهی خردها عرضه کند. بنابر این روش اجتهاد در همه علوم حاکم است و دست‌افزار و پاچله آن عقل است و عقل به عنوان «حجّه الله» در درون انسان همراه قرآن و عترت و ولایت است. این بدان معنا نیست که یک رساله عملیه به جمیع نیازهای بشر تا روز قیامت پاسخ مثبت می‌دهد، بلکه دانشمندان جدید می‌آیند و کار جدید می‌کنند. لازم به تکرار است که شهود و عرفان با توجه به موازین آنها - کشف و شهود موافق با شهود معصوم - نیز حجت است، این مجموعه فعالانه در تلاش و کوشش‌اند تا پاسخ صحیح و مثبت به نیازهای فکری و عملی جامعه داده، وانسان را از سرگشتگی نجات بخشند، بنابر این با ختم نبوت هیچ نقص و کمبودی بر جامعه وارد نخواهد آمد و دین باوران حتی روشمندتر از عصر حضور پیامبر می‌توانند به زندگی دینی خود ادامه دهند. در نتیجه، سؤال‌های یاد شده پاسخ معقولی خواهند یافت: یعنی در صورت عمل به دستاوردهای وحیانی از یک رهبر آسمانی هم سعادت بشر تأمین می‌گردد و هم قوانین تازه‌ای استنباط و استخراج می‌شوند، و هم ارتباط انسان با جهان غیب در سایه ولایت، کشف و شهود تام تأمین است، و هم ولایت تشریحی قطع نیست - گرچه ولایت «انبائی» و پیامبری قطع شده باشد - و با بسته شدن دفتر نبوت هرگز ولایت قطع و برچیده نیست، از این رو کارشناسان دین، تا قیام قیامت انشاء الله مردم را رهبری صحیح خواهند کرد.

## پاورقی

- [۱] احزاب، آیه ۴۰.
- [۲] نورالثقلین، ج ۴، ص ۲۸۴.
- [۳] همان.
- [۴] همان، ص ۲۸۵.
- [۵] بحار، ج ۱۱، ص ۵۲.
- [۶] بحار، ج ۳۶، ص ۲۸۴.
- [۷] همان، ج ۳۵، ص ۲۷.
- [۸] نهج البلاغه، معجم المفهرس، خ ۱۳۳.
- [۹] همان، خ ۷۲.]
- [۱۰] همان، خ ۱۷۳.
- [۱۱] بحار، ج ۱۵، ص ۲۱۱.
- [۱۲] همان، ج ۲۲، ص ۲۱۸.

- [۱۳] انبیاء، آیه ۲۲.  
 [۱۴] مائده، آیه ۹۹.  
 [۱۵] انبیاء، آیه ۲۴.  
 [۱۶] شوری، آیه ۱۶.  
 [۱۷] نساء، آیه ۱۷۴.  
 [۱۸] المیزان ذیل مائده، ص ۱۹ - ۱۵.  
 [۱۹] رعد، آیات ۴ - ۱.  
 [۲۰] انعام، آیه ۱۴۸.  
 [۲۱] نساء، آیه ۱۱۳.  
 [۲۲] فصلت، آیه ۴۲.  
 [۲۳] نجم، آیه ۴۲.  
 [۲۴] مائده، آیه ۵۵.  
 [۲۵] نهج البلاغه، خ ۳.  
 [۲۶] احزاب، آیه ۳۶.  
 [۲۷] احزاب، آیه ۶.  
 [۲۸] نساء، آیه ۸۴.  
 [۲۹] نهج البلاغه، خ ۱.

### درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه

مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰ IR۹۰-

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

